

# حقیقت

شماره ۱۴۸ ۱۴ آذر ۱۳۶۰

## یادداشت‌های درباره ولایت فقیه

(دنیاله از شماره‌های بسین)

### طرح فهد موضوعی جمهوری اسلامی وموضوع ما

اخبار کنفرانس سران عرب که در مراکش منعقد شده بود، تا آنجا که گذاردن دستور جلسه، خود، کار خود را به بیان رسانید و ادعا کرد که کنفرانس را به تاراج نامعلومی درآید و موقوفات کشورهای عرب بر سر چگونگی برخورد به طرح فهد برای خاتمه دادن به وضعیت بحرانی خاور میانه اعلام کند. چنانکه در بیان این کنفرانس اظهار شد که: "زمان گفتگو بجز موعود طرح ۸ ماده‌ای فهد نیست" (اطلاعات، ۷ آذر).

در واقع به تشویق اعصاب کنفرانس سران عرب در مراکش خود نموده، با رزی از بحران عینی اسلام را سرمنطقه خاور میانه را فرا گرفته و از کساکش‌های شدید سیاسی پشت پرده، عیاشی حکایت میکند که در سان اسر قدرتی و نیروهای وابسته به آنرا و نیز میان ملل، شنیده شده است.

### مالکیت ارضی ودعوی کنونی بر سر اعمال ولایت فقیه

(یادداشتی بر طرح ارضی سوکلی وزیر جدید کار)

مسئله، سیستم مالکیت استبدادی ولایت فقیه، و یا به نحوه بهره‌برداری از آن مسئله عبارت از دقت سلطنت فقیه، نه اساسی اقتصاد ایران در شرایط پنهان فساد بحران مالکیت کنونی است. بحران کنونی در اقتصاد ایران به نفع جامع با بر سر سیستم مالکیت و دموکراسی و خلق نبوده، بلکه مضمون آن در زمین‌های با تناقضات متعدد در خود آنرا مختلف با سبک کشاورزی، صنعت، تجارت و غیره ناشی از قیاس نمونه، با رزی از بحران سران پیرومندان، به هم ماه ۱۳۵۷ مالکیت در اوضاع و احوال در خلق بیدار مالکیت کمپرادور - کنونی، بحران در چگونگی "حل" فئودالی رژیم پهلوی نهفته مسئله، مالکیت در کشاورزی و است. هیئت حاکمه بیوزوا - شوه، بهره‌برداری از زمین، یا فئودال کنونی در شکست

اغلبه بر طرف عدای از انقلابیون با م "سربداران" منتشر کرده که ما برای آنکاهی بیشتر مردم ایران استواریم در آن سیستم.

اطلاعیه نظامی شماره ۱ سربداران

## گزارشی مختصراً از عملیات اولیه سربداران

در بین دورستان محمدآباد دور که بستند و بدین اولین اطلاعیه سربداران که تا مل اعلام موجودیت و مواج اهداف اساسی ما برداختند. این راهپندان دوازدهمین سالگرد ولایت وطنی این دوازدهمین سالگرد راهپندان در کساکش‌های خستند مترصد دیده شدن کوچکترین حرکتی از طرف مزدوران دشمن بودند گروهی دیگر در روی جاده بگفتگو با مردم، پیش اعلامیه و توضیح اهداف و نظرات سربداران برداختند. این حرکت ما با استقبال پر شور مردم روبرو گردید. بسیاری از جوانانی که در دو طرف راهپندان مانده بودند، در پیش اعلامیه و بستن راه بگفتگو با راهپندان ما برداختند. مردم برای دادن هرگونه کمکی به سربداران آماده بودند و راستی این شور و شوق در همکاری و همدلی مردم سربداران در صفحه ۷.

سربداران، جراتی که با هدفگیری شخصی سرنگونی رژیم جبار و خیانت پیشه خمینی و با ایمان به لزوم قیام نیروهای انقلابی به عنوان تنها راه نجات مین و مردم از سلطه حکام خون آشام، در شرایط پراکندگی خود دندارک فعالیت نظامی خود را آغاز کرده بود. بدین حال کساکش‌های اولیه، میدان سردر و پنا روی با مزدوران رژیم خمینی را کشود و مرور در حالیکه کماکان در آغاز زاین راه است لازم میدانند گزارشی مختصراً از عملیات اولیه خود را به پیشگاه شما مردم آگاه و مبارز تقدیم داشته، آغاز حرکت ما مگران خود را اعلام دارد.

۱ - راهپندان جاده تهران - آمل : روز هفتم آبان ماه جاری زمینگان سربداران ساعت ۵/۳۰ جاده تهران - آمل را

بقیه از صفحه اول

مالکیت ارضی و ۵۵۵۵۵

بعبارت دقیق تریحساران در حل مسئله زمین و شیوه استثمای درجای معه، روستاییان است، با اعتباری بحران در حل مسئله مالکیت ارضی، حداثرین بحران در مسئله مالکیت در انحصار کنونی ایران است. آن اعتباری که ریشه در نعیین و تکلیف موقعیت نزدیک به ۲۰ میلیون دهقان زحمتکش روستایی و همچنین تناقضات متعدد در این زمینه در حیثیت حاکمه کنونی در گذشته و حال دارد.

در چنین شرایطی، در حالی که لایحه مصوبه شورای انقلاب در زمینه ارضی از جانب سلامتی وزیر کثا و رزی به مجلس ارائه شده، طرح جدیدی در زمینه ارضی از جانب ۱۶ تن از نمایندگان مجلس که نوکلی وزیر جدید کثا و رزی است، در مقابل آن و برای دقیقتر نمودن آن نیز ارائه شده است.

طرح جدید ارضی نوکلی بدینها از جنبه اهمیت حاصل مسئله مالکیت ارضی در اتحاد کمونی ایران، بلکه بخاطر حمایت وسیع بخش های مهمی از هنت حاکمه کنونی سیزداری کمال اهمیت است. نیروهای از هشت حاکمه که بطور علنی حامی طرح نوکلی هستند و یا تلویحا با مفاد آن توافق داشته و دارند عبارتند از مراجع بزرگ تقلید مانند آیت اله گلپایگان، سران حزب جمهوری اسلامی، مانند رفسنجانی، موسوی اردبیلی و... فقهای شورای نگهبان مانند خلی، هاشمی، ربانی شیرازی و... روحانیون

مدارس مذهبی و اشعه، جماعات مانند محمد یزدی، مکارم شیرازی، آذری قمی، محمدی کیلانی، آیت اله روحانی، دستغیب، ناطق نوری و... و با لایحه مقامات دولتی مانند ولایتی و...

بدین ترتیب بررسی لایحه جدید ارضی به علل ذکر شده دارای اهمیت خاصی میباشد. آنچنان اهمیت که با توجه به فوریت طرح مسئله ارضی در مجلس و اعمال ولایت فقیه برای "حل" آن، با مطرح شدن طرح جدید، عسوان شدن مسئله ارضی در مجلس به تبعیق افتاده است! در نتیجه برای بررسی طرح جدید، توجه اجمالی به چند نکته حائز اهمیت است.

۱- لایحه پیشنهادی سلامتی وزیر کثا و رزی به مجلس، که طرح نوکلی در مقابل آن و برای دقیق تر نمودن آن مطرح شده. همان لایحه مصوبه شورای انقلاب در ۲۵ شهریور ماه ۱۳۵۹ است. با این تفاوت که ۳ تبصره به ماده ۴ آن در مورد اراضی معروف به بند "ج" و "د" اضافه شده است. دلیل آنهمه گفته وزیر کثا و رزی است که لایحه تصویب شورای انقلاب "در عمل در خموش تعیین ارزش نسبی (یعنی ارزش زمین مالکین و تا سیات آن) با مختصر نارضایتی مواجه گردیده است." (اطلاعات ۶۰/۶/۱۸) تبصره فوق مسئله پرداخت "ارزش" ارضی محاد رنده به مالکین را مطرح نموده که در واقع تسع تغییر به نفع مالکین است. سوال است. ما در گذشته به دفعات لایحه ارضی مصوبه شورای انقلاب را بررسی کرده و ما هیت بورژوا - فیسودال آن را نشان داده و صدیت آنرا با منافع نوده میلیونی دهقان بی زمین و کم زمین ما طرفشان نموده ایم. اختلاف طرح نوکلی با لایحه مصوبه

شورای انقلاب و پیشنهاد شده از جانب سلامتی بر سر کلیت آن نیست، بلکه بر سر دقیق تر نمودن مواد مربوط به اراضی بند "ج" و "د" است که در لایحه کنونی مصوبه شورای انقلاب بطور مبهم بیان شده است. لایحه مصوبه شورای انقلاب که با توجه به جنبش قدرتمند دهقانی سال های ۵۸ - ۵۷ و برای خاموش نمودن آن تنظیم شده، در عین حال حفظ حمایت و هواخواهی خرده بسوزواری بویژه سنی شهری از حکومت را نیز مدنظر داشته است. در نتیجه مواد معروف به بند "ج" و "د" به شیوه ای مبهم تنظیم شده است در شرایط مناسب برای بورژوا - زی و فئودال های حاکمی حکومت، با اعمال ولایت فقیه، از آنها مخرج و بد نفع آنان و منافعتشان دقیق تر شود، و اکنون آن شرایط بدون آنرا فراهم رسیده است.

۲- طرح نوکلی، آنطور که در باره آن تبلیغات مینماید، بصورتی "رادیکال و مترقی" عرضه شده است. او در مصاحبه ای نکات اساسی طرح خویش و اختلافات آنرا با لایحه مصوبه شورای انقلاب بیان داشته است (مصاحبه با اطلاعات ۱۳ میگرد که سندهای معروف به بند "ج" و "د" در لایحه مصوبه شورای انقلاب بد نفع مالکین بوده! رسهین جهت ادعا میکند که "در طرحی که نمایندگان داده اند ما این سرنها که کشیدن زمینداران بزرگ فرار دارد" (تکیه از ما است). او سپس در توضیح بیشتر عسوان میکند ما لکینی گزاره غضب زمین نگار بدست آورده اند می با سنی حاکمه شده و زمین هایشان صادره شود. بدین ترتیب، نوکلی ضمن ادعای بد این نکته که بندهای "ج" و "د" لایحه مصوبه شورای انقلاب به نفع مالکین بوده، طرح خویش را در صدیت بسیار

فئودالها و به محاکمه کشیدن آنان اعلام میدارد!! ولی آیا چنین است؟ و یا طرح نوکلی حتی فئودالی تر از لایحه مصوبه شورای انقلاب است؟ پس طرح نوکلی و ۱۵ نماینده مجلس را باید آنطور که هست شناخت و سند آنطور که او در باره آن تبلیغ میکنند.

۳- نوکلی در مصاحبه خویش، در حالی اساسا و نسبت نظریات مطرح شده در طرح ارضی خویش را بیان میدارد. ما برای طولانی شدن مطلب به همسان گفته، او استناد میکنیم، نوکلی میگوید:

"۳- بازگرداندن احترام به مالکیت، چرا که وقتی از غضب بعنوان یک ضد ارزش میتوان سخن گفت کسسه مالکیت ارزش داشته باشد. جوی که در طول اجرا و توقیف بند (ج) و (د) درجا معاهد شده این کمان را در بسیاری بوجود آورده بود که اساسا بیش از سه برابر عرف محلی زمین داتس خلافت اسلام است و هر کس هما نقد زمین با پیدا شده یا شکه خود و خا سوادها این بیواضدروئی ن کارکنند که در نتیجه طمعها باب مراغه و حارکته از سلطنت فقه شیعه است. سظیل شدنی و سسد ارزش بلقی کرد... نتیجتا بعد از بسکه اکثر متصرفان بزرگ بدلیل نا مشروع بودن تصرفشان طلع بد میشوند. بعد از این دی از مالکین هم به ایس ترتیب طلع بد میشوند و آسوقت میا سند تعداد بسیار اندکی که سه غضب کرده اند و نه طم و ا جفا و هموار سیم عمومی را از در آمد خود ستم برداشته اند که این طرح احترام بد این دستساز افراد را ولو سبما ر کم هستند احترام به ارزش های اسلامی و تحکیم نهاد ارزش بلقی شدن غضب میداند.

"اگر گفته شود که این دسته از مالکان را هم با ولایت زمینشان را بخریم و سه مستمعین بدهیم متساوا انتقال زیاد شود، پاسخ روشنش اینست که متساوا هم برای خرید چنین زمینهایی را نمیتوانیم صرفا حیات زمینهای موات بگیری کنیم تا آیشهایی را همزمان با زمینها بزرگترین بگیریم ... این نکته بسیار درخور توجه است که اعمال ولایت تنها در مواقع ضروری و بطور موقت ممکن است و اگر بتوانیم از طریق دیگر (سموای شورشها در بالا) نمودار حاصل کنیم محاذ با اعمال ولایت نخواهیم بود ... فرقی دیگر اینست که در مصوبه قبلی زمینهای واگذار شده مالکیت افراد و با شرکتها در نمیآید ولی در این طرح پس از یک دوره آزمایشی در صورت عملکرد مطلوب زمین به فرد یا شرکت متعلق و نه قسماط طویل العده سروختن میشود تا احساس امنیت ملکی ... بیشتر گردد." (تأکیدات ارماس است.)

اظهارات و نظریات فوق بدینگونه است: اساسی در باره طرح جدید ارضی اشاره دارد. الف - آنکه مالکیت کنونی ارضی، بویژه مالکیت

بررک، تحت عنوان "مشروع بودن" و "اسلامی نبودن" تثبیت میگردد. به چه ترتیب؟ بدین ترتیب که ایثار مصادره ارضی فئودالها را تعیین مشروع نبودن آن از طریق محاکمه قرار داده اند. روشن است که مقوله، مشروع بودن و یا نبودن مالکیت های ارضی مقوله ایست قابل تفسیر، مبهم و گنگ که در شرایط گوناگون تعبیرات مختلفی از آن میشود. با توجه به ترکیب بورژوا فئودالی هیئت حاکمه کنونی و مبارزه های اسلامی آن، تعیین معیار مشروعیت بگردن دادن یا ندادن خص و ذکات بسند مراجع نقلیه در گذشته و حال و امثالهم دور خواهد زد. که در این زمینه مالکین انحصار چندین دهه در ارضیات مشروعیت مالکیت مورثی دارند؛ در حالی که فئودالیسم در آنهاست که مشروعیت تاریخی خویش را از گذشته و ظلم و ستم قرون وسطایی سر نهاده است. میهن ما بهترین سندها مشروع بودن این نوع مالکیتهاست. علاوه بر اینها مشروع بودن مالکیت های فئودالی از طریق محاکمه و نه از طریق اعمال ولایت تقیه که در طرح عنوان شده، اگر هم بخواهد عملی نمودن آنها بطول خواهد انجامید. بدین ترتیب طرح جدید ارضی عدم مصادره زمینهای مالکین ارضی و تثبیت مشروعیت کنونی آنان را مدنظر دارد. و البته آن دسته از مالکین ارضی که تا پیش از بودن املاکشان ثابت نبودند و خودخواهانه بوده اند یعنی حکومت کنونی، که جزو مهمی از آن مسلما مالکیتهای کوچک متوسط سرمایه داری و نیمه سرمایه داری بورژوازی ملی و املاک ملاکین لبرال با توجه به ماهیت طبقاتی هیئت حاکمه و صف بندی سیاسی کنونی در جامعه قرار خواهند داشت (چه

در شرایط کمونیستی اساسی مالکیت فئودال کمپرادوری یا نهایی در حین انقلاب مصادره شده و در بدو دولت فسرار دارد.)

اختلاف اساسی طرح نوکلی با لایحه، مصوبه شورای انقلاب، در این نکته است که مشروعیت و یا اعلامیست مالکیت های ارضی نباید بر اساس اعمال حقوق مربوط به ولایت تقیه باشد. در نتیجه مسئله، ارضی از هم اکسستون میبایستی در چارچوب احکام اولیه اسلام، که همان حسنه سهام کمال مالکیت هستی فئودالی اسلامی است، حل و فصل گردد. اعمال ولایت تقیه در چارچوب احکام ثنائیه، که با توجه به بحرانی نبودن جامعه روستایی، بخواهد بود مسئله زمین برای دهقانان در ارض بطور موقت اعمال کرده، مورد مخالفت این طرح است. بدینست برای روشن تر کردن این مسئله به بحثی که نوکلی درباره اعمال ولایت بر مسئله ارضی نموده و جواب فاضل هرندی حاکم سرع هیئت های ۷ نفره زمین، توجه نمائیم.

در مصاحبه فوق، در پاسخ سوال: "آیا اجرای این طرح احتیاج به اعمال ولایت دارد؟" نوکلی چنین پاسخ میدهد: "تنها در مورد کوچک بگی در داده؟ که بصورت زمینهای خود را بدانشا حقیقتی و حقوقی بگذرست معین میکنند. بزرگها اجازه میدهد. دیگری در بند ۷ ماده ۹ که انتقال زمینهای واگذار شده را در دوره آزما یعنی چندین از تعلق بدون اجازه، هیئت هفت نفره ممکن نمیداند."

بسیار خوب مطلب روشن است و ایثار اعمال ولایت تقیه در آنها در مورد کوچک تا شده بوده و نه در مسوورد مالکیت های فئودالیسی! جهت اعلام فاضل هرنندی، از

عدا نفس لایحه، مصوبه شورای انقلاب، به طرف مقابل را گرفته و در پاسخ به سوال: "آیا در طرح (جدید) اجزای حکم امام (در رابطه با اعمال ولایت) مضایق پیدا میکنند یا خیر؟" امام در این طرح تصریح میکنند: "درسی آید؟" (اطلاعات ۲۸: ۱۸۸) نیگوید: "البته در طرح، مسئله اعمال ولایت مضایق آفته است ولی در آن موردی که اعمال ولایت مضایق پیدا کرده است بنظر ما آنجا، جایی نیست که ما نیازی به اعمال ولایت داشته باشیم. چون در مورد زمینهای بررک مالکیت که مالکیت آینه مشروع است گفته اند است که ما اگر مالکین بدو را با مزاحه حاضر شدند در این مورد در نظر حاکم طرح اعمال ولایت شده است. اگر چه مسئله زمینها در حالیکه میبینیم در خصوص تاریخ، به علاوه بر زمینهایی که بدو را متعلق دانده است متساوا یا تحت عنوان اجاره و دیوارها تحت عنوان مزاحه، اینجاست جایی نیست که ما نیاز به اعمال ولایت داشته باشیم." سپس می افزاید: "اگر راه زمینی کردن روستایی منحصر بود به اینکه زمین دایره او داده شود بدو از پرداخت حق نسق با بنای زمین، در خود نماندند شده است با اعمال ولایت و نه نظر حکم حاکم، زیرا که میباید بدو را زمینها بدهند."

در نتیجه نوکلی و سرکما خواستار تثبیت سهام و گسستن موقعیت کنونی مالکیت های فئودالی در روستا بوده و با هر نوع تغییرات جزئی، آنها بطور موقت با اعمال ولایت تقیه و برکت به احکام اولیه بعد از رفع شدن حادثه زمین در روستا، کاملاً مخالفت! بدین ترتیب صف بندی بر مسئله مالکیت ارضی با صف بندی بر سر تقسیم ولایت تقیه (حداقل در زمینه ارضی) در میان هیئت حاکمه یکی میشود. صف بندی در زمینه در صفحه ۲

بقیه از صفحه اول

طرح آمریکائی فهد و هه

عرب و یویژه جنبش مقاومت فلسطین از یکسو و تمام جریانات ارتجاعی، صهیونیستی و امپریالیستی جریان دارد.

طرح فهد که کوششی جهت حل مرتجعانه، این بحران فراگیر منطقه، خاورمیانه است، آنگونه که سران جمهوری اسلامی تبلیغ میسازند، شکست نخورده است، بلکه فعلا مجموعه شرایط برای پیاده شدن چنین طرحی آماده نیست و تمامی نیروهای خصم بسیج شده اند تا زمینه پیاده شدن چنین طرحی را فراهم نمایند. از این جهت است که فعلا طرح نهاده تصویب افتاده است.

در اینجا لازمست تا با بررسی وضعیت منطقه، خاورمیانه و سیاست های آمریکا و تضادهای که با آن روبروست، دست بسنه بررسی طرح فهد و عواقب آن بزنیم.

بطور اجمال، بحران موجود در خاورمیانه، ناشی از چهار عامل اساسی است: ۱- حضور امپریالیسم یویژه آمریکا در این منطقه و تشکیل دولت صهیونیستی و تحا و زکرا اسرائیل، به مثابه زاندارم امپریالیسم در منطقه، که علت اصلی تمامی تشنجات سیاسی و نظامی در منطقه میباشد. ۲- وجود یک جنبش مقاومت وسیع و با سابقه، فدهیونیستی و غذا امپریالیستی در میان توده های عرب و یویژه جنبش مقاومت فلسطین که بسیاری حق تعیین سرنوشت خویش میزنند. ۳- رقابت میان دو امپریالیسم امپریالیستی آمریکا و روسیه بر سر مناطق نفوذ در ایمن منطقه، استرالزیک و با لخره ۴- تضادهای از اشغال سرزمین های کشورهای عربی - که برخی مانند مصر و اردن مستقیم و اسنده آمریکا هستند، توسط اسرائیل تحا و زکر.

مجموعه این عوامل و تضادهای که از مهمترین تضادهای موجود در منطقه میباشد، علت بحران و تشنجات سیاسی و نظامی در منطقه را بیان می دارند. طبیعی است که امپریالیسم آمریکا با توجه به توان فوق است که سیاست خود را منتهی بر تحکیم سلطه، خرد در منطقه و سرکوب جنبش های عدا امپریالیستی و ایجاد دیسک کمرسند، حاضنی برای جلوگیری از توسعه و نفوذ امپریالیسم شوروی تدوین مینماید.

آمریکا از یکسو، ایجاد دو تقویت با یکدیگر در منطقه های نظا مسی در عمان، سومالی، اردن و مصر و دیده گوکارسیا و با تروش اسلحه بسنه رژیم های مرتجع ترکیه و پاکستان و عربستان و تجهیزشان بسنه بدین ترین و با یل جنگ افرازا و دیگر سو، ایجاد یک نیروی زکشن برع ۱۵ هزار نفری مقاصد صد ه در فوق را در نیبال میکند. ما سورا خیر آمریکا و مصر، معروف به "سناره درخشان" و اندامه یکماهه، این ما نورد رسومالی و عمان بوضوح خط اساسی امپریالیسم آمریکا را برای سرکوب قیام های مردمی و در عین حال برای بسند در قیامت خود با بر قدرت شوروی بیان میدارد. در عین حال امپریالیسم آمریکا در کناره این اقدامات در عرصه وسیعی از فعالیت های سیاسی در منطقه فعال است که آخری بسنه شکر داران را بسخوان در "طرح" شاهزاده فهد ملاحظه کرد.

سیاست امپریالیسم آمریکا در دهه گذشته بطور عمده سنده بر دولت یوتالی اسرائیل برای بسند در قیامت خود با بر قدرت شوروی است. روسیاست سرکوب جنبش مقاومت بوده است. لیکن

عدم موفقیت این سیاست و پیدایش ورشد تضادهای دیگر در منطقه، آمریکا را مجبور به تغییراتی در سیاست خود نمود. از جمله تغییرات ویا عواملی، که میتوان ذکر کرد، مهمترین آن شکست ناپذیری جنبش مقاومت فلسطین و گسترش نفوذ آن و دیگر تضاد میان اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه که از اشغال سرزمین های عربی ناشی شده میباشد. در دهه گذشته امپریالیسم آمریکا با طرح معروف به "راجرز - گرومیکو" سعی نمود تا شعله های انقلاب فلسطین را خاموش نماید. بدین منظور این طرح در پی آن بود که مردم فلسطین را تحت یک رژیم یوتالی و تحت الحما یه رژیم اردن در آورده و در عین حال به شدیدترین وجهی جنبش مقاومت فلسطین را سرکوب نمود (واقعه، سیتا میرسیاه). این طرح که بهشتیانی آمریکا و شوروی را در پی خود داشت، با شکست مواجه شد. طرح دیگر امپریالیسم آمریکا، موسوم به طرح کمسب دیوید بود که هدف اصلی آن بهما زکشن نیدن کشورهای عرب خط مقدم با اسرائیل بود که سرزمینها یشان تحت اشغال صهیونیستها قرار داشت. با حصول به چنین سازی آمریکا یک جبهه متحد عرب - اسرائیلی برای مقابله با جنبش فلسطین و نیز خط کمر بندی فده شوروی در منطقه را ایجاد میکرد. این طرح نیز با ایجاد جبهه پایداری و مقاومت سرخشان، جنبش مردم فلسطین، علیرغم پیشرفتها که کرد با شکست روبرو شد. لذا در طرح کمسب دیوید تنها کشور عربی که جبارت ورزید در این طرح شرکت کند، دولت مرتجع و وابسته، مصر بود که با ترو را خیسر سادات این طرح نیز عملا در نیمه راه شکست سیاسی خود را اعلام داشت.

بعبارت دیگر سیاست آمریکا و بطور کلی امپریالیسم غرب، با تکیه، یکجانبه بر اسرائیل برای سرکوب جنبش خلفهای عرب و جلوگیری از توسعه طلبی شوروی، با شکست مواجه شد. در دور بعدی سیاست آمریکا برای متحذ کردن مرتجعین عرب بسا اسرائیل، و همراه با آن ایجاد یک نیروی عربی و اکتس سریع و تکمیل یوشن را دارهای برنده برای حصول بدین اهداف بسر با ناکامی روبرو گشت. با توجه به چنین وضعیتی است که طرح نهاده یکبار ه مطرح میگردد.

طرح ۸ ماده ای فهد کوش مرتجعانه ای است برای رفع آن دسته از نواع تضادهای که از پی عرفت سیاست امپریالیسم آمریکا برای تحکیم نفوذ خود در منطقه یعنی ارسیان برداشتن و خنثی کردن جنبش مقاومت عرب و جلوگیری از توسعه و نفوذ شوروی - جلوگیری میکنند.

حلقه مرکزی در طرح فهد شامل برتکات ۶ و ۷ آن می باشد. ماده ۸ شتم از ایجاد یک نوع دولت فلسطینی سخن میگوید که نیروی تشکیل دهنده آن نامشخص بوده. لیکن تلویحاً سا زمان آزاد بیخ فلسطین را در بر میگیرد. ماده ۷ بطور تلویحی میگوید موجودیت اسرائیل تحا و زکر را در منطقه توسط کشورهای و جنبش فلسطین رسمیت یسناد. تا بدینگونه مهمترین تضاد موجود در منطقه را با بهما زکشن نیدن جنبش مقاومت فلسطین و بر رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل حل و فصل نماید. البته این اولین بار است که، گرچه بطور غیر رسمی لیکن بطور موکدی، محافل امپریالیستی آمریکا طی ظاهرا بسند تضادهای رسمی جنبش مقاومت فلسطین تن میدهند. و از بسرو این طرح ظاهرا نه ازواشکنن، بلکه از زبان غلام حلقه کوش آمریکا، یعنی فهد نتوان میگردد. لذا این طرح بطور غیر رسمی از سوی محافل کاخ سفید مطرح میگردد تا بطور آزما یی تا بسر پیروزی خود را بسا یاید.

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۴

طرح آمریکائی فهدو ههه

پس از اتمام کار تصویرب معامله آواکس ها با عربستان، طرح فهدینا گاه در دستگاه تبلیغاتی عربستان و غرب جای میگیرد. اروپا طرح را معقول میخواند و به یکبارگی رهبران این طرح را مقوله ای "منبت" و "قابل بررسی" اعلام میدارد و اسرانیل آتراکا می در جهت صلح مینامد. حتی کار به آنجا میکشد که کمیانی نفتی موبیل اوایل در روزنامه های آمریکائی به درج آگهی هائی به این مضمون دست میزند: "با سازمان آزادیبخش فلسطین مذاکره کنید، طرح فهدرا مورد بررسی قرار دهید". در کنار چنین طرحی که تظاهر به مساومت جوشی از سسوی آمریکا و مرتجعین منطقه میکند، موج سرکوب در اکثر کشورهای عربی آغاز میگردد، و بموازات آن حضور نظامی آمریکا و از جمله بشکل مانورهای وسیع و بزرگ نظامی در منطقه افزایش میابد. عکس العمل تعدد، قابل ملاحظه ای از کشورهای مسرب در مجموع از رضایت اکثریت آنان از مفاد این طرح حکایت میکند، لیکن بنا بر مقتضیات روز و از ترس رسوائی در میان توده های مردم عرب از پشتیبانی رسمی خودداری میکنند. مهمترین مشکل در این طرح برای آمریکا و مرتجعین عرب نشان دادن رهبران جنبش مقاومت فلسطین به قبول و شناسائی موجودیت اسرانیل میباشد. لذا اکثر این طرح را "کامی منبت"، "معقول" و "قابل بررسی" میدانند، بدان نظر آنکه جبهه پایداری و در درجه اول جنبش مقاومت فلسطین با موضع مناصح جویانهای استخفافیابنده و با دست کم با ایجاد انتساب در صفوف خود بتوانند چنانچه رایسه عنوان یک جریان فلسطینی به پای میرمذاکره بکشاند، از زبان اعضاء رهبری الفتح سخنانی نبررد کل این طرح بلکه تحت عنوان حاضر نبودن شرایط منطقه برای پذیرش این طرح شنیده میشود. و با کسان دیگری تحت این عنوان که تا ما زبستان آزادبخش فلسطین در طرح منظور نشده است، فعلا بطور ظاهری ابراز عدم رضایت میکنند، و با عدم حضور نیروی در مذاکرات را غیر قابل قبول میدانند، و با کمان دیگری مانند سوریه بیستتر از زاویه عدم وجود توازن قوا بنبط قوای عرب با این طرح مخالفت میکنند تا از زاویه مخالفت با اهداف اصلی این طرح، بهر حال این طرح تا ظریبه سازش گشایدن جنبش مقاومت فلسطین و توده های مردم عرب با حضور صبریا لیسیم و صهیونیسم و ارتجاعیون حاکم عرب است، و نمایی دستگاه های تبلیغاتی و نظامی و سیاسی دنیای امیریا لیسیم در به انجام رسانیدن این مهم به نقل می بردازند، این طرح کما کسان در دستور کار امیریا لیسیم و مرتجعین منطقه میباشد، و گرچه ممکن است محدود در آتیه به شکل و شمایل دیگری مطرح گردد لیکن مضمون سیاست کنونی امیریا لیسیم آمریکا را در بر خواهد گرفت.

بنامات حکومت ولایت فقیه در ایران با به تعویق افتادن مذاکرات پیرامون طرح فهدینا کسان در ادامه تبلیغات خود بومیهای خود را بدست گرفته و بر سر هر کوی و برون فریبستاد برآوردند که جمهوری اسلامی طرح فهدو امیریا لیسیم آمریکا را در

شکست داده است. آنها به استناد تبلیغات خودشان و بخصوص سخنرانی خمینی ادعا میکنند که: "مهمترین عاملی که زمینه شکست این کنفرانس را فراهم ساخت درایت و آگاهی مقام معظم رهبری انقلاب حضرت امام خمینی مدظله و رسیدن سی ملت قهرمان و مسلمان ایران و پیروی آنان از مقام رهبری بود" (نقل از پیام آیت اله منتظری ۷ آذر - کیهان). گویای کمی قیمت بسته حضرات بگویند که موضع ایران در ارتباط با طرح فهد اصلا در جلسات کنفرانس قاس مطوح نبوده و این موضع تنها در خیابان های شهرهای دارالظلم فقط هت خمینی است که در مرکز توجه قرار داشته است. آقا یان گمان برده اند که میتوانند با این تبلیغات عوام فریبانه که ما را به یاد تبلیغات شاه در مورد بالا بردن قیمت نفت می اندازد ملتی را که در طول زندگی خود هزاران توطئه گرمکارا مثال اینان را شناخته است فریب دهند. اما قضیه سروصدائی که در باره طرح فهد پرا شده است برده دیگری از بهک سیاست بازی فریبکارانهای است که سیه مقامات جمهوری اسلامی برای چندمین بار آثرایبار گرفته اند. این سیاست همان نمایشی است که سران رژیم های ارتجاعی و مستبد از قضاوت نومبری در سودان و سادات در مصر نیز در دوران اولیه حکومت خود برپا میکردند و امروز هم در بسیاری از کشورهای منطقه که رژیم های بوروکراتیک بحران زده بر آنها حاکم است را بیخ میسازد. ما قبلا این قضیه را در ارتباط با طرح جبهه و احاد اسلامی و همچنین پیرامون طرح جمهوری اسلامی در باره افغانستان توضیح داده ایم که هدف جمهوری اسلامی از این سروردها قبیل از هر چیز ایجاد یک مسئله تبلیغاتی برای عطف توجه مردم ایران از مسائل خطرناک داخلی است. استناد دقیقیه در ایران هر روز جامعه ما را بشوی سقوط و ملامت سوری میدهد و از سوی دیگر ادعای رهبری منطقه در حل مسائل بین المللی را می نماید. استناد دقیقیه از توافقی که در همین روزها بینا عربستان سعودی و دیگر کشورهای ارتجاعی عرب در مورد قیمت نفت کرده اند سخنی نمیگوید. استناد دقیقیه از مذاکراتی که در همین روزها با ژاپنی ها و کمپانی میوشی در باره پذیرش شرایط آنها برای شراکت در منابع پتروشیمی ایران در جریان است سخنی نمیگوید. استناد دقیقیه هنوز که هنوز است حقیقت ما جرای هوا بیما آرزو نشینی و خرید سلاح از اسرانیل را بر ملا نگردانست اما هر روز در بیوق و کمرای "ندا امیریا لیسیمی" و "رهبری های خردمندانه" می آید و کمان سرده طرده مردم ایران هم مانند یک مشت عنامرغلوک حزب الهی قریب دسیسه های آسان را خواهند خورد.

اگر سخن بر سر صدافت در سیاست و مومستگیری اصولی است با بدبگوئیم که تجربه نشان میدهد که برای مقامات ولایت فقیه سیاست خارجی با بهترین بگوئیم تبلیغات در ارتباط با امور خارجه وسیله ای برای اجرای نقشه های بنییداخلی بوده است و تجربه بر خورد حضرات با مسئله فلسطین و احارسیا به هم تا هدایری بر این مدعا است.

بطور نمونه هنگامی که کمان زدن دولت لیبرالی بازرگان در دستور قرار گرفته بود سران حزب جمهوری اسلامی برای اینکه خودشان وجهه ای دست و پا کنند شدیدترین حملات را بدولت بازرگان بخاطر سیاست خارجی اش وارد نمودند. فارسی در یک سخنرانی تحت عنوان "بر خورد مکتبی به آرای فلسطین" صراحتا اعلام نمود که دفاع از سازمان آزادیبخش فلسطین توسط دولت ایران را بحکوم میکنند و بیایان هم این سزده که سر

بقیه از صفحه ۲  
مالکیت ارضی و ...

که هیچکدام منافع اساسی مردم و دهقانان را منکسر ننموده و در ردیت کامل یا منافع وسیع دموکراسی، خلق و توده دهقان را قرار دارند.

ب- آنکه طرح به مراجعت از قبول سیستم قرون وسطایی مزارع، بعنوان "مسلمات فقه شیعه" محبت میکنند. اینکه سیستم استثنای مزارع از مسلمات فقه شیعه میباشند شکی نیست. ولی در حقیقت قبول نبوده است. استثنای مزارع در روی دیگر که ای است که طرف دیگر آن قبول مشروعیت مالکیت های فئودالی قرار دارد. زیرا به قول ایشان اگر با مزارع مخالفت شود، و با مبهم گذارده شود به مراجعت از آن دفاع نشود، بمعنی عدم قبول مشروعیت مالکیت های ارضی اسلامی! است. و با مالکیت اگر مدیا مشروعیت اسلامی مالکیت های فئودالی را ملاک قرار ندهیم، آنوقت است می با بستی معوله، مزارع را نفی کنیم که این به معنای نفی یکی از "مسلمات فقه شیعه" است. پس آنکس که حکم و طرح تشبیه و مشروعیت تمام و کمال مالکیت های ارضی را صادر میکند میبایستی شیوه استثنای ارضی را نوع مالکیت را، یعنی شیوه استثنای فئودالی مزارع را نیز تمام و کمال قبول نماید. آنطور که توکل و شرکاء

خوب، پس تکلیف

دهقانان در این میسبان چیست؟ بر مبنای طرح توکل دهقانان نمیتوانند از حکومت الله در زمین، یعنی حکومت جمهوری اسلامی ایران، خواستار مصادره، املاک فئودالی که عموماً مشروعیت اسلامی دارند، بشوند! پس چگونه میباید دهقانان زمین داد؟ بر طبق گفته توکل که در ابتدا به آن اشاره نمودیم، حل این مسئله روشن است: بجای آنکه مقادیر هنگفتی پول صرف خرید املاک ترعی مالکین شود، میبایستی صرف به بهره برداری از اراضی موات و بیا بزیروقت بردن اراضی تحت آبی شود. همان نکته ای که اساس لایحه، مصوبه، شورای انقلاب است!

بدین ترتیب احتیاجی هم به اعمال ولایت نیست. ما در گذشته به دفعات توضیح دادیم که تقسیم زمین های موات بین دهقانان چیز مکرر و آسان نبود و منحرف نمودن جنبش قدرتمند توده ای ایشان نمی باشد. دهقانان نیز به روشنی به این نکته واقف و آگاه بوده و بویژه انگشت بر روی اراضی دایروبا بستر مالکین گذارده اند و بی بهره برداری زمین های ارضی هم نمانی که سیستم کوفته نشود هرگز نمیتواند بطور اساسی عملی شود و این هم بجز سردوانیدن دهقانان نیست. آنچه نیاز فوری دهقانان ما است تقسیم زمینهای دایروبا ثر مالکین ارضی کنونی و املاک مصادره شده از رژیم پهلوی، یعنی تقسیم اراضی بندهای معروف به "ب" و "ج" و "د" است و پس! چ - آنکه طرح ایشان تکلیف آبی آن دسته از زمین های را که به حال میبایستی تقسیم و واگذار شود، را نیز روشن کرده است. بدین معنی

هما نظور که در مباحثه، ایشان ذکر شده، این نوع زمین های واگذار شده بر مبنای عملکرد مطلوب از حاکمیت حکومت خارج شده و به مالکیت خصوصی منتقل خواهند شد. روشن است که عملکرد مطلوب نمیتواند از جانب زمین های واگذار شده بدهقانان حاصل شود. بلکه اساساً از زمین های واگذار شده به افراد غنی و شرکت ها و موسسات کثرت و زری حاصل خواهد شد. در نتیجه، با توجه به مشروعیت کدایشان به سیستم استثنای مزارع داده اند، اراضی واگذار شده در آینده به مالکیت خصوصی درآمده و مشروعیت استثنای فئودالی را خواهند داشت. یعنی در یک کلام، احیاء تمام و کمال مالکیت های فئودالی در اراضی مشمول تقسیم و واگذاری! باید توجه داشت که ایشان و شرکا ایشان چشم به اراضی بسیار مرغوب دربار و فئودال - کمبرادورهای فراری دارند که در حقیقت انقلاب مصادره شده و آماده واگذاری است. که البته بخش مهمی از آن املاک، در گذشته از بد مالکین خالف دربار خارج شده و در اختیار ریشخاه با نندش قرار گرفته بود. رجعت تمام و کمال به سیستم مالکیت ارضی، در قبال از املاک ارضی شاه، مبنای طرح توکل است.

\*\*\*  
خلاصه کنیم. طرح جدید ارضی (توکل و شرکا) احیاء تمام و کمال مالکیت ارضی فئودالی و سیستم استثنای ارضی را از آنرا نمایندگی میکند. این طرح بدین منظور خواهد بود که احکام اولیه، اسلام بوده و با اعمال ولایت فقیه در زمینه مالکیت ارضی مخالف است. این طرح خواهان دقیق تر نمودن لایحه ارضی مصوبه، شورای انقلاب بوده و با تغییرات و فرسرم در چارچوب نظم کنونی مالکیت فئودالی در روستا، آنهم بطور

موقت و بر مبنای احکام ما بود و اعمال ولایت فقیه، مخالف است.  
طبقه کارگران که به منافع دموکراسی و خلق، که در اساس آن منافع نبوده، میلیونی دهقانان قرار دارند. به طرح فئودالی توکل و شرکا چگونه میگرد؟ اولاً آنکه طبقه کارگر در زمینه ارضی معتقدند تقسیم بودن و تمامیت با زور ارضی مزرعی از جانب مالکین فئودال، و بویژه مالکین بزرگ فئودالی، سود و اکبر بخواهییم اصلاح اسلامی آنرا بکار بریم، معتقدیم با مشروع بودن مالکیت فئودالی است. پس خواهان مصادره همه آنها بدفع دهقانان بی زمین و کم زمین بوده و دهقانان را با مقولات مشروع و نامشروع فریب نمیدهد. دوم آنکه طبقه کارگر در مصادره اراضی مالکین هرگز خواهان سازش با آنان نبوده و در نتیجه نه به مالکین پولی در مقابل املاک مصادره شده پرداخت مینماید و نه دهقانان بوسیله یا بت زمین خدگان میکیرد. سوم آنکه طبقه کارگر خواهان محو همه جا شیوه سیستم استثنای فئودالی و نیمه فئودالی رایج در روستا های ایران به هر شکل و قیافه بوده و در نتیجه خواهان محو سیستم استثنای مزارع میباشند. و به دهقانان توضیح میدهند که چگونه سیستم مزارع که جزئی از فقه شیعه میباشند میبایستی از صحنه روستا محو و محو نماید. چهارم آنکه طبقه کارگر معتقد است که تقسیم زمین بدهقانان هرگز نباید در کسب حاکمیت شروع و نمایندگان فقها باشد. بلکه تنها کسانسی صلاحیت تقسیم اراضی را دارند، که نمایندگان دهقانان در شورا های منتخب دهقانان میباشند. و با لایحه آنکه طبقه کارگر دهقانان را از آگاه میسازد که اجرای نکات فوق فقط از طریق اتحادیه با طبقه کارگر و کسب بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه اول

گزارشی مختصر از ...

یک گروه از نیروهای فستی به "جکش" بدست آمدن خبر از نیروهای خود را در سه جبهه در اطراف ما از تن فیل آرایش داد بر سر راه ... داشت که صبح زود ما را فلک گیر کرده ... "سندان" فرارمان دهد ... هر دو به ما مرز سندان سربدار افتاده ... که در تاریخ شکستهای مزخرفین به عنوان یکی از مفتخرترین نمونه ها ثبت خواهند شد.

دشمن ساعت ۷ و ده دقیقه کم صبح جمع با شیراندا زنیهای وسیع و انفجارات بی دربی در تمام جبهه ها که حاکی از وحشتی در نزدیکی به مقرهای سربداران بود جنگ را آغاز کرد و همزمان با آن هلیکوپترها نیز بر فراز منطقه زود و خور دیه پرواز را بدست آورد. این زود خورد تا ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه داد تا پس از آن مردود. ران نظامی فقیه با سنا گذاشتن ۴۴ کسب ... سلاح و مهمات ... با به فرار گذاشتند.

درجاده معدن سنگ درگاه با سداران رژیم دویا ریه دام رزمندگان ما افتادند. با راول در دست را ساعت ۷ صبح یک گروه ۲۰ نفریشان، گرفتار کمین سربداران شدند که همگی بسندون استثنا کشته یا زخمی گردیدند. با روم نیز هنگام عقب نشینی با زده مان نقطه سه خود رویشان که نفیرات باقی مانده را اسوار کرده و آما ده قرار بودند. با زبدا مرز سندان سربدار افتادند که با آری بی جی نفر بر اول که ۱۶ سرتین داشت منفجر کردید و در اثر انفجار آن خود روی دوم نیز با سرتینا بش منفجر شد. در این نقطه ضربات سختی به دشمن وارد آمد که سندان را در جا خرد کرد. در روی بال منگله و دره آترو نیز نفیرات بر آکنده اش کسه در اولین حمله دشمن از فرماندهان خود را از دست داده بودند. زیر ضربات فرماندهان سربداران قرار گرفته ۱۴ کشته بجای گذاشتند و گریختند. مزدوران مهاجم که با سلاح برای خرد کردن سربداران بین "جکش" و "سندان" مان آمده بودند، با چیدن ضربت دلاوران ما آنچنان روحیه خود را با ختنندویا به فرار گذاشتند که فرصت نگردیدند حتی جنازه یکی از کشته شدگان خود را از محضه خارج کنند و اجسادنا بتکا را بی کدر این نبرد بدست سزای خیانتهای خود رسیده بودند. تا سه روز روی زمین مانده بود و علی رغم بیامیهای متوالی که برای سیه و بیسیج و ژاندار مسموری فرستادیم که میتوانستند بدون سلاح و همراه خانواده های ایمن کشته شدگان برای تحویل گرفتن اجساد ما را جمع کنند، جرئت نزدیک شدن به محل درگیری را نکردند و با لایحه ما خود سیه احترام خانوادها تا نا اجساد را که میرفت تا محیط را آلوده ساختند، زندگی و سلامت کالشان و دهقانان زحمتکش منطقه را به خطر اندازد درهما بجادفن کردیم.

در این عملیات یک نفر از رزمندگان ما به شهادت رسید و دوشور دیگر نیز زخمی شدند.

غنا شمی که از این نبرد برای ما به جای مانده بسیار رسود، مقادیر بسیاری سلاح که جوانان بی دیگر را در کنار ما و برای به پیش بردن نبردهای بزرگتر مسلح خواهد کرد بدست ما افتاد، اما مسابزرگترین نمره این نبرد برای ما برانگیخته شدن شور و شوق مردم و اعلام آمادگی توده ها برای پشتیبانی از ما و در هر بیختگی روحیه سیه و دیگر مزدوران رژیم جبار را کم بود. این وضع تا بدنا رسیده که از یکسودر شهرها بی نظیر آمل و بابل امروز دیگر جاسوسان رژیم هیچگونه کنترل بر مردم ندارند و سوی دیگر سیه مجبور است به درود بیوا ر شهرها بنویسد که: "روحیه سیه باه بنیه در صفحه ۸"

سربداران برای خود ما نیز ما فوق تصور بود. با سداران دشمن با شنیدن خبر حضور سربداران در جاده، با سکا ه کوه سنگ را در چند کیلومتری محل راهبندان تخلیه کرده سرعت گریختند و رزمندگان سربدار بدون هیچگونه درگیری بر ما ۵۰ عملیاتی خود را به پایان رسانده، جا ده را ترک کردند. در نما طول این ۲ ساعت و نیم حتی یک کشتی دشمن جرئت نزدیک شدن به محل راهبندان را نکرد. این مزدوران خسود فروخته در همان حد که آتش سلاح سربداران وحشت داشتند، از خشم و غضب مردم آگاه ما نیز در نیمه اندورا هبندان جا ده آمل شهران مرکز تلاقی و بسود آتش سلاح سربداران و تجمع تورا نکیز مردم دلاور ما بود.

۲ - درگیری درجاده اما مزاده عبدالله - عصر همین روز هجدهم آن یک گروه از رزمندگان ما با یک واحد کشتی دشمن کنار جاده اما مزاده عبدالله درگیر شدند. در این درگیری ارسه نغروا حد کشتی دشمن، دوشفرانی، که یکی از آنان رئیس بیسیج آمل بود کشته شدند و نفر سوم زخمی گردیده، گریخت. یکی سیه از رزمندگان ما سبدر این درگیری به شهادت رسید که به موقع خود نام این شهید افتخار آفرین، اولین کل سرخ حرکت انقلابی سربداران اعلام خواهد کردید.

۳ - درگیری جمعه ۲۲ آبان در جنگل - این درگیری بزرگترین درگیری بی بوده که تا کنون ما با مزدوران رژیم خمینی داشته ایم. ویژگی این درگیری این بود که از طرف رژیم طرح ریزی شده بود، و با سلاح ابتکار عملش در دست آدمکشان رژیم بود. بر ما های بود که طبق اطلاعاتی که بعد از اسناد بدست آمده و اسرای دشمن کسب کردیم، حاصل زحمت بیسیج از یک مساباه جاسوسان محلی سیه آمل، ژاندار مری و فرماندهی عملیات در شهران بود. دشمن توسط سه س از مزدوران محلی خود که هر سه شناخته شده اند و پرودی به سزای خیانت خود خوا هتدرسید. وهم حسین ساکمک هلیکوپتر محل استقرار بخشی از نیروهای ما را در منطقه جنگلی آمل شناسایی کرده و ندارک یک حمله غافلگیرانه به ما را دیده بود. این بر ما به ندارکاتی که طبق اسناد بدست آمده بیسیج از یک ما ه ناجا منی طول کشیده، تحت رهبری یک سرهنگ و در ستاد فرماندهی ای در شهران هدایت میشده و سیه و بیسیج کلان و ما زبدران، ژاندار مری و انجمن های اسلامی شهرها و روستاهای ما زبدران در عملی کردن آن شرکت داشته اند. دشمن در این عملیات "محاصره و سرکوب" خود زهمه سلاح های قابل حمل به منطقه کوهستانی، از تفنگ و نارنجک انداز تا آری بی جی و خمپاره استفاده کرد. حدود هزار نفر را کشته از خود فروختگان سیه، از سبدر آنزلی تا گرگان همه را در سبدر میکرفت بیسیج کرده و با ۴۸۵ نفر نیروی زبده و آما ده! خود سیه محاصره، محل استقرار نیروهای ما پرداخت. ما رزمندگان سربدار در این درسی به دشمن دادند که تا پایان عمرش - که بسیار نزدیک است - هرگز فراموش نخواهد کرد.

دشمن طبق نقشه ای که زبدران وسایل یکی از فرماندهان





فقیه از صفحه آخر

یادداشت‌هایی

واقعا متعینات و توهیسات بودند و بهمین خاطر در انقیاب  
 ترکی اعجاب آورده شد تا امروز در رژیم ولایت فقیه در معمر  
 ضعیفاتی مدجندان قرار گرفته اند. آنچه "اسلام فضا" ولایت  
 کنونی سرسرایین بخش مهم از اجتماع ایران می آورد و خود  
 بهترین محک برای نشان دادن درجه آزادی در جامعه است.  
 در کارها و احکامات، ادارات و در زندگی خانواده‌گی و در سر  
 رویای زندگی اجتماعی، زبان موجوداتی تا سوان و تانسی  
 عقل و ابزار شهوت‌رانی مردان تلقی می‌شود و از همه بدتر است که  
 این چنین وضعیتی را هم در واقع رهائی رسان از گذشته استمار  
 می‌خوانند. توکوشی که زنان آگاه ایران گدما آنهمه دردی و سرن  
 و تبلیغات گدائی آریا مهری فریب نخوردند و در برابر اسناد  
 اوقیام کردند سم آشکار و صریح و قبحات: حشرات را نادانند  
 خواهند گرفت و فریب تبلیغات سخرفه رژیم مسدگوسی را  
 خواهند خورد.

هر روز ولایت فقیه ز سینه را برای وابستگی هر چه بیشتر  
 جامعه با فرا هم می‌کند. اگر چه بر اساس امرک بر آمریکا و سرک سر  
 شوروی و غیره بر آسمان بلسد است ولی ولایت فقیه حسی در  
 با ساری از خاک میهن در برابر ترحا و زحارجی سردرما سسد  
 است. از لحاظ اقتصادی نه تنها سوی خودگفائی کس نام  
 بر می‌داریم بلکه سیاست‌های ایلینا به در زمینه‌های تولیدی  
 رسیدن برای ورشکستگی کامل اقتصاد ما فراهم کرده و سست  
 خواهد بود اگر استان بر سر کار رسا شود و ولایت کسند.  
 عاقبت گاه گدائی در مقابل بیگانگان امیرا است بدست  
 بگیرند و به حیا و ترا بط. آجنان گدما کنون هم جد جسد ما سنی  
 داده اند، خیانت‌های بزرگ را آنچه پهلوی جا کردند در ا حسه  
 تا هدیا شیم.

در شرایط کمونی که گروهی سرمایه دار بزرگ وابسته به  
 اردوی ولایت فقیه هر روز میلیونها و بلکه میلیاردها تومان به  
 جیب می‌زنند و سرکست ولایت فقیه سرمایه داران متوسط و کوچک و  
 کسه، حردیا هر روز با کرمسایه‌های اقتصادی بیشتر مواحد  
 می‌شوند و ما بیندان سیاسی آنها نیز هر روز مورد خشم و غضب  
 بیشتر و قلم ولایت ترا می‌گیرند. گاه به آنجا کشده است که حتی  
 نما سندگان روحانی اینگونه طبقات هم که بیندان می آیند از  
 کزنده شیخ مفتشین و جلادان ولایت خمینی در اما ن نمی ما نند و  
 یا ما نند آیت الله لاهوتی ها جان صبا زندی و نعل شیخ علی  
 سهرانی ها به محبس فرستاده می‌شوند و از این معنی آنچه ایمن  
 ولایت فقیه اکنون در جامعه ما میکنند آنجا که ما را با ناسوسوی  
 می‌دهد بسیار میتوان گفت. خمینی زمانی در باره رژیم شاه  
 میگفت که او و ملکت ما را خراب و کور ستانهای ما را آبا دگسرد  
 است! امروز ولایت خمینی دقیقا جای سلطنت شاه را گرفته است  
 و چه واضح است که اینها نیز جز این نگردند و فرزند، خلف آنها  
 نداند.

برای جامعه ایران ولایت فقیه - حکومت دین نندشها  
 نوای درد سست بلکه باعث بسیاری مصیبت‌هاست. تحقق واقعی  
 خواست‌های خلق می‌طلبند که این ولایت هم بدینال آن سلطنت  
 رهبا برگردد!



و سایر این چاره‌های جزیر فراری حکومت زور، دام زدن سسه  
 نرفته، ملی و عاقبت هم نابود شدن در برابر و ندر خسرونی و  
 سیمکین تاریخ نخواهد داشت.

اما از سنیادهای فکری ولایت فقیه بگذریم و به عملکسرد  
 روز مره بپردازیم. مردم ایران امروز بی‌وضوح شاهده می‌کنند که  
 وضع نسبت به دوران محمدرضا شاه اگر بدتر نشده باشد بهتر نشده  
 است. حقوق دموکراتیک مردم و آزادیهای سیاسی و امنیست  
 احسانی که ظاهرا در قانون اساسی این جمهوری شیر در باره آن  
 لغای شده بود آجنان لکد نال می‌شود که رژیم خمینی را بسا به  
 ضررند خلف رژیم سلطنت استنادی رما خان و محمدرضا خان به  
 مردم شاهانده است. اگر کوب خلقهای سمدده در سراسر ایران  
 بگذریم ارتضا حب معروف به انقلاب فرهنگی که بگذریم، از  
 هزاران جناح کوچک و بزرگ که در چهار گوشه این مملکت نران  
 شده اند توسط مفتشین رژیم کام صورت گرفته است هم در کدریم و  
 سنها در زمانه این رژیم رخ داده است. بدین سبب کدریم و  
 سسیم که چگونه ما با یکی از خشن ترین و سستترین حکومتهای  
 جهان روبرو شده ایم.

کارگران مادر کارخانه‌ها از هیچگونه آزادی برخوردار  
 نیستند، نه تنها از قانون دموکراتیک کار و عده، آن داده می‌ند  
 خیری نسبت بلکه استناد ما ده، ۴۴ قانون گدائی کار رهز روز  
 کارگران را استدلال سیاسی و اعتمادی از کارخانه اخراج  
 میکنند. شورا‌های کارگری به بازار دست حزب الله و ولایت فقیه  
 تبدیل شده اند و اخیرا حتی سندیکا‌های صنفی کارگری را نیز  
 سدنیل می‌کنند و زمینه را برای آنچه رئیس مجلس راحت کسردن  
 خیال مالکین شرعی می‌شاید فراهم می‌نمایند.

کارگرانی که اعتصاب‌های بی‌سکوهان رژیم سلطنت را  
 صلح کرد و امروزه در ولایت از حق اعتصاب برخوردارند حتی چنانکه  
 آمد با اخراج‌های وسیع حتی هر روز از حق کار رهز محروم می‌شوند.  
 ولایت فقیه برای کارگران ایران جز دور سهای یک زندگسی  
 اسفبار بیایمی ندارد و جز خا طره دیکتاتوری محمدرضا شاه می‌در  
 کارخانه‌های چیزی را بسا د نمی آورد. بدین ترتیب خسروش  
 انقلابی طبقه کارگر ایران که در انقلاب ایران نقش ویژه خود  
 را ایفا می‌کرد در محدوده ولایت فقیه خاموش نخواهد شد و این  
 بند را بسزای این ملت خواهد گشود.

مردم ایران در روستاها هنوز در حسرت زمیسن و آزادی  
 می‌سوزند، آنها عدالت اجتماعی می‌طلبند اما ولایت فقیه  
 بی‌سرم لغای‌های عوام فریبانه هر چه می‌کند در طرح سسای  
 خائنه تری را برای تثبیت فتودا لیم در جامعه مطرح می‌کنند  
 چرا که مالکیت‌های فتودالی، موقوفات و همچنین استعمار  
 فتودالی به شیوه، مفا رعه در اسلام محترم بوده و بخصوص اگر سهم  
 ما، وقت بردا خسته شده با شاد این مالکیت‌ها مقدس بوده و کسی که  
 بخواد قدم از گلبیم خود فراتر نهد و به مالکیت‌های بزرگ دست  
 آید! زی کند محارب و محکوم به اعدام است.

زبان ایران که در دوران سلطنت پهلوی در سرفض انواع و

## یا دداشتهای دربار ولایت فقیه

(دنیای زنا ردهای پیشین)

امیربالیم - امنیت اجتماعی و آزادیهای سیاسی - عدالت اجتماعی - رشد فرهنگ سودای متکی بر ارتقاء عزت نفس ملی - حل مسائل مربوط به کثرت و تنوع و صنایع - نابودی فسادلحام کسبختی که رژیم حاکم را من غیردو... خلاصه احق و حقوق و دموکراتیک خلق انگیزه های اصلی مردم ارتکاب در انقلاب و ترغیب آنها از این مبارزات بود. نگاه به کفترها و بیامیزای خمینی درباریس و قبل از آن درنحرف هم نشان میدهد که دقیقاً ساختار طرح مسائلی از اینگونه بود که خمینی با اقبال عام مردم مواجه گردید و حتی امروز هم حکومت مستبدگونی در تبلیغات خود با ظاهری میگویند تا هر جا که بشود خود را واقف دانستند اینگونه اهداف جلوه دهد.

اما خوش بود که محک تجربه آید به بیان! تجربه وزندگی واقعی به مردم نشان داد و میدهد که ولایت فقیه نه تنها به حل مسائلی که انقلاب برای از میان برداشتن آنها برپا شد و ناسا نیست بلکه بخاطر ریشه های طبقاتی اش همانند حکومت سلطنتی هر روز نیز بر بارها مشکلات مباد میآید.

ولایت فقیه از لحاظ اندیشه متکی بر اسلام است و معروف به اسلام فقه است. نگاه به کتب و رسالتی از نشان جنبه امتقین و کاسب و غیره و با حتی نوجده به معنای امتثال محمدی کیلانی درباره، قضا و یا آقای مشکینی درباره؛ مثال مختلف مملکتی نشان میدهد که حضرات تا حد غرق در اندیشه - هائیک هستند که سالیها و بلکه قرنهای گذشته را لحاظ اصول اجتماعی و روابط میان مردم در سطح یک کشور و در سطح بین المللی گنارکذاشته شده اند. حقیقت این است که ما در این مورد خود را از ذکر مثال بی نیازی بینیم. به هر کتا بیا به ای فقه و اصول که رجوع کنید در میان رهنمودهایی که بر اساس احادیث و روایات آمده است شما به مسائلی که در زندگی امروز سرخه به نظر میرسند برخورد کنید. و تا بیدرجوع به رساله، "توضیح المسائل" شخص خمینی در این زمینه نمونه، روشن اندیشه های قرون وسطایی با تدکاه مروره قرار است سرچ و راهنمای ساختمان ایران انقلاب کرده قرار بگیرد.

بنا بر این پیدا است که ولایت فقیه که از لحاظ بنیادها ی ایدئولوژیک متکی بر اسلام قرون وسطایی فقاهاست نمیتواند با سخوی مشکلات و مسائل روز باشد. این اندیشه، قرون وسطایی با یافت بر کتا کش جا معده ایران درنحرف ارتکاب شده است. جا معده ایران که در نتیجه، یک تب و تاب دموکراتیک انقلابی بر علیه سلطنت برپا نمودنیا زمینیک مرجع ایدئولوژیک دموکراتیک و متکی بر اندیشه های پیترو دوران ماست و ایس اندیشه و مرجع بنظر ما کمونیت ها ما ر کسیم - لنینیسم و در این مرحله اندیشه های دموکراتیک نوینی است که میتواند سگسان کشتی جا معده ما را در کتا کش های بحرانی داخلی و خارجی بسه دست گیرد و به پیش براند. ولایت فقیه از نظر بنیادها ی فکری قرون وسطایی که بر آنها متکی است ذاتاً با آن تب و ناسب دموکراتیکی که ظاهراً این جمهوری در نتیجه آن بوجود آمده است متفا د است

(بقیه در صفحه ۹)

در بخش هائی از این با دداشته ها که در هفته های گذشته از نظرتان گذشت، نوشتم که ولایت فقیه اگر چه بطور کلی مقبولست و اندیشه های سیاسی مربوط به صدها سال پیش از این بوده است اما توسط خمینی بدنیاال مبارزات مربوط به سالهای حول و حوش با نزه هم خرد؛ ۱۳۴۲ شکل تدوین تدهای مجددا عرضه گردیده است. ذکر کردیم که در آن دوره نظریه، ولایت فقیه با حاکمیت روحانیت (فقاها) بر جا معده توسط خمینی در برابر حاکمیت استبدادی و وابسته، محمد رضا شاد و اعوان وانما رتر مطرح شده بود و دیدیم که چگونه این سطر به بخاطر مخالفت با سلطنت محمد رضا شاهی نه تنها مورد استقبال اکثریت مراجع سا زشکا رومما شاجو فرا رنکرفت بلکه با مخالفت آنان نیز روبرو شد. اما منطقی ناریخ که در زندگی و مبارزه، مردم شکل میگیرد چنان حکم کرد که بوسیدگی و فساد دیکتا توری محمد رضا شاهی انقلابی بزرگ را در دستور کار نیروهای جا معده، ایران قرار دهد و چنین شد که در شرایط ضعف و عقب ماندگی نیروهای جنبش کمونیستی و همچنین در شرایط ورشکستگی و زخوئی های معرط جریانات مربوط به بورژوازی ملی، ختینی بر جمدا ر حرد به سوز و آری سنی ایران و در ادامه به مبارزه بر جمدا ر انقلاب عمومی مردم ایران کشت و بدینسان بجای رژیم سلطنت استبدادی وابسته رژیم جمهوری اسلامی متولدند و زمینه برای طرح هر چه پیشتر مقوله، ولایت فقیه فرا هم شد و عاقبت پس از دوره ای از کتا کشهای مختلف اجتماعی بجای سلطنت محمد رضا شاد و دربار، ولایت خمینی و فقاها پیش نشست.

بدین ترتیب امروزه ولایت فقیه شکل حکومت در جا معده، ایران شده است و در حقیقت همان جایی را در سیستم دیکتا توری طبقاتی کنونی داراست که سلطنت در گذشته مبداشت. غرض ما در این سطور بررسی این ولایت جدیدالتاسیس و مقایسه آن با آن سلطنت کهنه از یکسو و از سوی دیگر آشکارا شدن جا بکه آن در برابر حرکت تاریخی - اجتماعی ملت ایران است.

باید گفت، و این روزها به این مسئله کمتر توجه میشود، که مردم ایران برای جایگزینی ولایت فقیه بجای سلطنت انقلاب نگرده اند. منظور از این سخن این است که اکثریت قریب بد اتفاق مردمی که در انقلاب دوم ایران (بعده از انقلاب مشروطه) شرکت داشتند اگر چه مسلمان بودند و تا حدودی در سطوح مختلف رهبری خمینی را هم پذیرفته بودند اما بخاطر جایگزینی ولایت او و همقطاران بجای سلطنت شاه و همرا هانش به میدان مبارزه نیا مدند. این درست است که "اسلام خمینی" برای بسیاری بر جم مپا رزه بر علیه شاه حتی مدتی بر علیه امیربالیم شسته بود اما هرگز نیا بدکمان کرده توده، مردم با شناخت و پذیرش جنبه های ارتجاعی این مکتب بدنیاال آن روان شدند.

مردم انقلاب کردند چرا که میخواستند خودشان حکومت کنند میخواستند حکومتی داشته باشند که مسائلی را که حکومت سلطنت وابسته به بیگانگان از لاجل آن عاجز بود و هر روز نیز عا مدانه بر ابعاد آن می افزود جل کند.

در همگسستن استبداد قطع روابط سلطه پذیرانه بسا